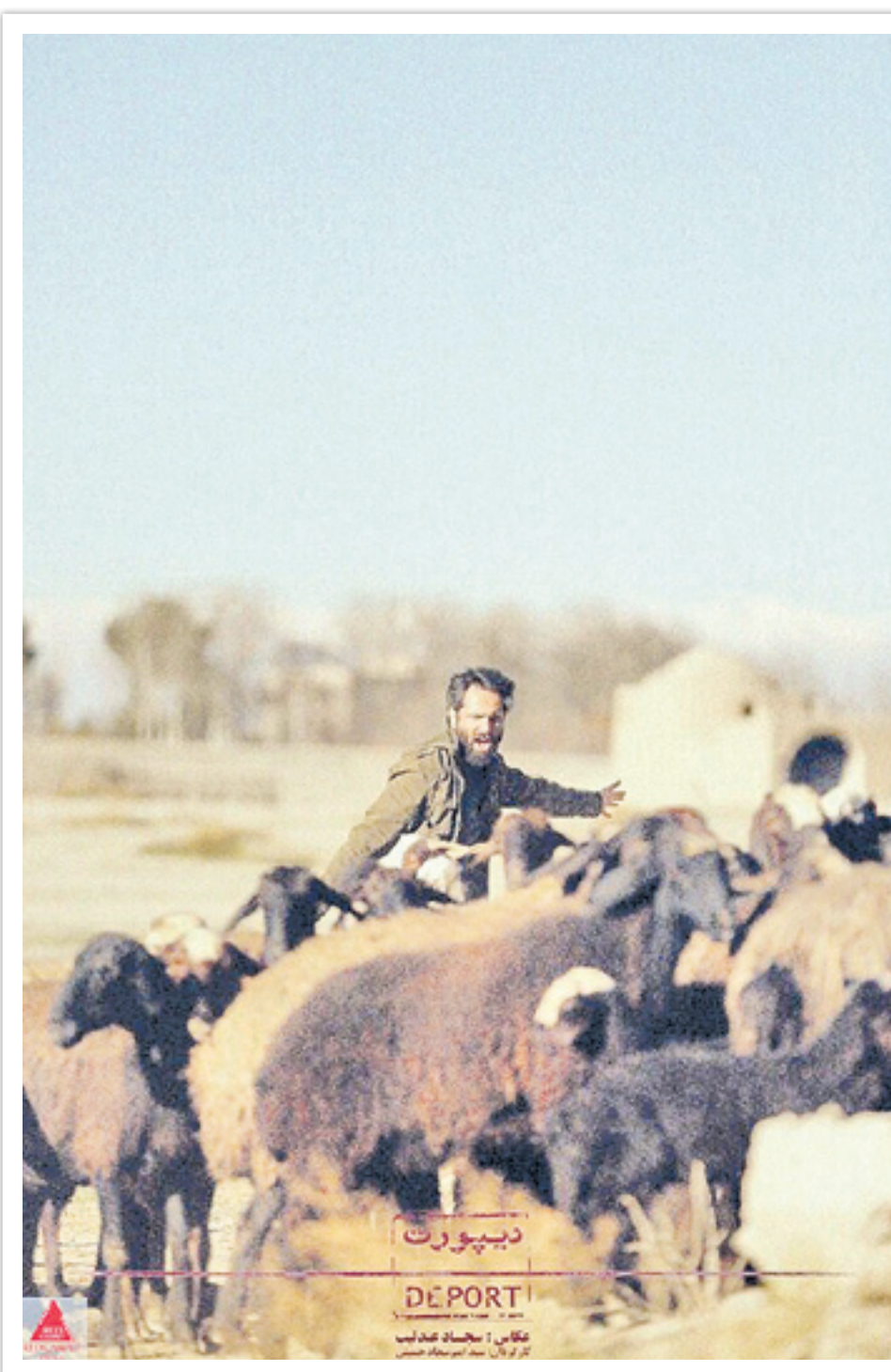


گفت وگوی «جوان» با فیلمساز برگزیده جشنواره عمار

سعی کردم مثل محمودی‌ها فیلم نسازم



در ویژه‌برنامه عمار در شبیکه افک گفتیم که

ابتدا رقتم فیلم‌های آنها را دیدم که نسازم چراکه گمان می‌کردم نگاه آنها به خودشان دست اول است و اورژینال و مال من، از بیرون. اما در چوچری عصبی شدم. دعوی اول من با آنها (در عین حال که آنها را رقصای ندیده خودشان، می‌دانم) این است که تصویر آنها از ملت خودشان، سیاه است و چرک. کاراکترهایشان (بسه خصوص از فیلم رقتن به بعد) همگی اخته‌اند و متغلق. هیچ کشش و ماوایی جز فرار ندارد- و چه غم‌انگیز است. آنها دقیقاً با ملت خودشان همان می‌کنند که فیلمسازان ایرانی با ما در جشنواره‌های آن‌ور آبی می‌کنند و من

تأسف می‌خورم و می‌روم با یک‌بیستم (دقیق عرض کردم) بودچه آنها فیلم می‌سازم. من در سینما با «فورد» بزرگ شده‌ام. یک چیز را از او آموختم‌ام که باید از درون به بیرون خانواده نگاه کرد. تَه فیلم «دره من چه سرسبز بود» را می‌یابید یاورید. در رؤیا جمع خانواده را دوباره می‌بینیم در یک دشت. آ یا این کی‌هی‌اند قلابی است؟ سخت بتوان گفت. نگاه این دو برادر را شاید در یک مترمکعب عشق بفهمم اما از آن‌جا که آنها بی‌زینس من می‌شوند و نگاهشان را پس می‌گیرند، جلسو نمی‌روم. «سردن در آب مطهر» اما دیگر تیر خلاص است و دعوی من این بار بر سر نگاهی است که از ایرانی‌ها به دست می‌دهد. پول مُغف دولتی می‌دهد به چنین فیلمسازانی. شرم به این نگاه.

خود افغانستانی‌ها بسه خصوص هنرمندانی که در فیلم شما حضور دارند درباره این گونه آثار چه نظری دارند؟

من با عده‌ای معدود که صحبت می‌کردم، چنین نگاهی داشتند؛ همان مسئله که ذکرش قبل تر رفت. ببینید من گمانم این است که شوو و شیدایی در میان ملت افغان همچنان هست. زبان‌های پایین رفته‌اما هنوز هست و داغ هم هست. همت می‌خواهد. جنگ و آوارگی و پناهندگی، لاجرم رخوت می‌آورد و حق هم دارند اما این بچه‌ها پُشت و عقبه دارند. مردانگی دارند و جَنَم. البته همه باید به هم زمان کنیم تا تیزی افکار و احساساتمان در گذر نقد کند نشود. از همین رو دیپورت هم نقد خود این بچه‌هاست و هم گاهی نقد هموطنان ایرانی‌مان و نگاه‌ا بالا به پایین‌شان.

در آثاری مثل «چند متر مکعب عشق» یا «سردن در آب مطهر» درباره نحوه حضور افغانستانی‌ها در ایران کم‌لطفی و حتی تا حد زیادی سیاه‌نمایی کردند؟

من در مورد بپردازان محمودی هم قبل تر

فرهنگی

گفت وگو



گفت وگوی «جوان» با ترانه‌سرای مذهبی

که به زبان‌های مختلف اثر تولید می‌کند

امیدوارم سفیر فرهنگی شایسته‌ای در حوزه موسیقی باشم

معصومه طاهری

چند سالی است با ظهور و بروز فضای مجازی و شکستن قالب‌های انحصاری رسانه‌های قدیمی جوانان آتش به اختیار به میدان عمل آمده‌اند تا کار سازمان‌های عریض و طویل ناکار آمد را به سر انجام برسانند. در همین چند سال خوانندگان جوان انگلیسی‌زبان از همین قشر درخشش خوبی داشته‌اند. یکی از آنها احسان یاسین جوان هنرمند فعال در وادی موسیقی اسلامی و عرفانی است که آثارش در حوزه بین‌الملل بازتاب داشته و به عنوان خواننده و آهنگساز، آثار موسیقایی متعددی به زبان‌های انگلیسی، عربی، فارسی تولید کرده و ترانه‌هایی نیز به زبان انگلیسی سروده است.

شکل‌گیری و خروجی آن بگویند. تقریباً یکی دو ماه قبل از مسلمان شدن ایشان من با او آشنا شدم. صحبت کردیم، خاطرم است این دوست گره‌ای در آن زمان قصد داشت به دین اسلام رو بیاورد و مسلمان شود اما هنوز رسماً این کار را انجام نداده بود؛ بنابراین تصمیم گرفتیم کار مشترکی را با هم انجام بدهیم که اولین قطعه کار بعد از تشراف او به اسلام باشد، که در حقیقت اولین اثر موسیقایی اسلامی او بود. برای همین تصمیم به ساخت کاری با مضمون «ظلمات‌الی النور» به زبان انگلیسی و گره‌ای گرفتیم و این کار را با فاصله کوتاهی بعد از اینکه رسماً مسلمان شد با عنوان «الحمدلله» منتشر کردیم که به لطف خدا بازخورد خیلی خوبی هم داشت.

هنوز با این تازه مسلمان مرتبط هستید؟

بله هر از گاهی در مناسبت‌های خاص یا در موقعی که موضوع کاری‌ای مطرح باشد، مثلاً آخرین بار حدود دو هفته قبل بود که با هم صحبت کردیم.

استقبال از آثار تان را در خارج از کشور چگونه دیدید؟

مخاطب این سبک از آثار موسیقی طبعاً محدود به یک کشور و یک زبان نیست، همین دلیل باعث شد در هفت اثری که سال ۲۰۲۰ تا بنده منتشر شد پنج زبان مختلف به کار گرفته شود تا پوشش بین‌المللی داشته باشد؛ بر اساس نظرات و پیام‌هایی که دریافت کردم با توجه به تمام صورت‌بندی‌هایی که به نوعی مطرح بوده و هست به لطف خدا استقبال خوبی شده است. خودم هم از بازخوردها و اتفاقاتی که در حال رقم خوردن هستند رضایت دارم البته این کار را احساساً تر می‌کند چون مخاطب انتظار کاری قسوی و خوب دارد و نمی‌توان سطحی و ساده‌کاری انجام داد. امیدوارم در آینده در این امر تسهیلاتی صورت بگیرد تا بتوانم مسطرفر هنرنگی مطلوبی در موسیقی بین‌المللی باشم.

چند خواننده انگلیسی‌زبان در ایران وجود دارند و نظر تان درباره کارهاشان چیست؟

از اینکه چند عزیز دقیقاً در این امر فعالیت دارند اطمینان ندارم اما برادران ایرانی، افغان و تاجیکی می‌شناسم که در زمینه موسیقی اسلامی بین‌المللی فعال هستند و به خوبی با قدرت هم در این زمینه مشغول هستند تا جایی که اطلاع دارم بعضی از آنها به زبان انگلیسی هم آثاری خلق می‌کنند.

با همه این دوستان مرتبط هستید؟

با بعضی از این برادران مسلمان در ارتباط هستم اما هنوز مجال اینکه با همه آنها شخصاً آشنا شوم به وجود نیامده است و امیدوارم این اتفاق در آینده رخ دهد.

از طرف نهاده‌ها و سازمان‌های بان‌ی بحث تبلیغ بین‌المللی تاکنون دعوتی هم برای اجرا در خارج از ایران داشته‌اید؟

در یک سال گذشته که انتشار آثار بنده آغاز شده، جهان درگیر بحران کرونا بوده است همین اتفاق باعث لغو اجراها، کنسرت‌ها و تجمعات شد. صحبت‌های ابتدایی‌ای مطرح بوده‌اما با توجه به شرایط ایجاد شده متأسفانه هنوز جدیت پیدا نکرده و عملی نشده است؛ ان‌شاءالله در آینده نزدیک با بهتر شدن اوضاع این امر هم محقق شود.

جالب است وقتی که فیلمنامه را به باز یگران سینما می‌دامم، اولین سؤال‌شان این بود که «فیلم سفارش کجاست؟» و وقتی رفقای خودی می‌خواندند می‌گفتند «فیلم را برای کدام جشنواره آن‌ور آبی می‌سازی؟» و اما در این میان آدم‌هایی که هنوز به سیاست آلوده نبودند، آن را می‌خواندند و همراه و همداستان این زوج طلبه می‌شدند

من با بچه‌های مدافع حرم ایرانی در تماس بودم. البته زندگی این بچه‌ها را می‌دانستم. در این فیلم از زندگی مصطفی صدرزاده هم الهام گرفتم. البته برادر خانم ایشان، سبحان ابراهیم‌پور، از رفقای قدیمی من است و کم و بیش اطلاع داشتم و پیش‌تر قرار بود مستندی از زندگی ایشان بسازم که به دلایلی منصرف شدم و مهم‌ترین دلیل هم این بود که، اکثر مستندهای مدافعان حرم پُر است از اشک و آه و ملودرام هندی. به بساور این حقیر، بچه حزب‌اللهی باید قلدر باشد و غمش درون دلش و من یک نمونه دست‌نیافتنی می‌شناسم؛ آقامصطفی چمران.

چرا این قدر کم درباره مدافعان حرم به خصوص مدافعان افغانستانی صحبت می‌شود؟! این کم‌کاری ناشی از چیست؟!

دلایش را می‌خواهید؟ دلایش در درون است. یعنی جریانی که اتفاقاً باید پای این بچه‌ها بایستد و غایب است. دلایش مسئولانی هستند که فقط بلندند در مناسبت‌ها بنر چاپ کنند. اگر ما هم بگوییم داریم چنین فیلمی می‌سازیم ما را دست به سر می‌کنند. می‌توانم از این مثال‌ها بسیار بگویم؛ از مؤسسه شهید آوینی که دست مدبری چند سال جوان‌تر از من این گذاشت که او بگوید من چه بسازم و چه بگویم و چه نگویم. با همین بچه‌های عمار که بارها تلفن‌های ما را بی‌جواب گذاشتند و حضوری رقتیم دست‌به‌سر کرند سر همین دیپورت. حالا جایزه نژاد و علی‌اصغر رضایی در فیلم سوره هم که کلتی‌های سختی میان خود و رقابیشان تشکیل دادند و اغیار راهی به درون ندارند. من ایرادی به این رقفا نمی‌بینم، سیستم همین است. الان به هرکس می‌گوییم فیلمی درباره بچه‌های مدافع حرم ساخته‌ایم، گمان می‌کنند پَسول برای سا ریخته‌اند. اما غربت در درون گاهی بیشتر است. در این میان از مصطفی زبیبی‌نژاد و علی‌اصغر رضایی در مرکز آفرینش‌های بسیج تشکر می‌کنم که از این جنس نیستند و همچنین برادر عزیزم محمد پاشایان که بدون کمک او در شهریار ساخت فیلم ممکن نبود.

برای نمایش عمومی دیپورت چه فکری کرده‌اید و قصد اکران آن در افغانستان را دارید؟

دیپورت بسرای اکران در گروه هنسر و تجربه، تأییدیه شو را دریافت کرده و بناسبت با فیلم «هی، هو» (ساخته بنده) و فیلم «ملاقات شی‌های» ساخته رفیق خویم یوسف حاتمی کیا در یک پیکیج اکران شود که با موج دوم کرونا، به تعویق افتاده است. اینکه چطور می‌شود فیلم را در افغانستان اکران کرد، اهل فن باید کمک کنند.

وزیر امور خارجه هم استفاده کردیدا

امیدوارم فیلم را برادرمان آقای عراقچی ببیند چراکه ایشان هم در بخشی از فیلم بنده (البته صدایشان) حضوری مؤثر دارند و در تصمیم نهایی کاراکتر اصلی مؤثرند.

با این کار فکر نمی‌کنید به فیلم انگ سیاسی بودن خواهند زد؟

دیپورت مال جناح خاصی نیست؛ نه چپ است و نه راست. و من هم عقلم‌ای به جناح خاصی ندارم. برمی‌گردم به کاراکتر مصطفی در دیپورت. کوشیدیم که یک بچه حزب‌اللهی قُلدر (به معنای درستش) باشد که نسبتی با جناحی ندارد اما پای اعتقادهش می‌ایستد و امثال ابودرها هرچند هم که مدرک‌کی نداشته باشند، را زیر بال و پرش می‌گیرد. خط‌کشی هم نمی‌کند. اطر‌افانش را به مذهبی و غیرمذهبی تقسیم نمی‌کند. جایی هم هست که هم‌کیشان خود را نقد می‌کنند و ب‌اکی ندارد. او آمده که وصل کند. ابودر فیلم از قضا آدم مذهبی دو‌آتشه نیست. یک فرد باریشه است که با مصطفی پیوند می‌خورد. به سبک فیلمفارسی هم متحول نمی‌شود. مدافع حرم می‌شود اما این از زیست‌پدرش- که سابقاً زرمنده بود- می‌آید؛ هرچند که تا‌انتها رگ‌های خاکستری‌اش را به همراه دارد.



در یک سال گذشته که انتشار آثار بنده آغاز شده، جهان درگیر بحران کرونا بوده است در همین قشر کرونا تا این وقت است

همین اتفاق باعث لغو اجراها، کنسرت‌ها و تجمعات شد. صحبت‌های ابتدایی‌ای مطرح بوده‌اما با توجه به شرایط ایجاد شده متأسفانه هنوز جدیت پیدا نشده است؛ ان‌شاءالله این امر هم محقق نشود

جانب داوود کیم خواننده اهل کره جنوبی بیشترین شنونده را داشته‌با استقبال زیادی مواجه شده است.

کار مذهبی به زبان انگلیسی در کشوری که مذهبی‌هاز بساده به تولید اثر برای فضای بین‌المللی ورود نمی‌کنند چه سختی‌هایی دارد؟

حقیقت این است که این جنس فعالیت برای یک ایرانی به دلایل و از جوانب مختلفی می‌تواند با دشواری‌های خاصی همراه باشد؛ مسائلی که گاهی روی دوش آدم سنگینی می‌کند. شاید پرداختن به این مسائل خیلی دلچسب نباشد بنابراین شخصاً آشنا شوم به وجود نیامده است و امیدوارم این اتفاق در آینده رخ دهد.

شما کار مشترکی با یکی از تازه‌مسلمان‌های مشهور گره‌ای هم داشتید، درباره آن و چگونگی